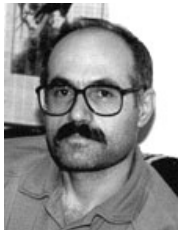


مصاحبه اسماعیل ویسی
با مظفر محمدی
اول مه را با شکوه
برگزار کنیم!



مظفر محمدی

اوضاع و احوال رژیم هم به نسبت سال قبل تعریفی ندارد. اما در عین حال فاکتورهای منفی هم که به ضرر طبقه کارگر عمل میکنند،

واقعیت را نمیتوان نادیده گرفت که امسال تحولات کارگری، بیشتر شده است. فعالین کارگری به عناوین مختلف دست به کار شده اند تا کارگران را متشکل و متحد و خواسته‌هایشان را نمایندگی کنند. "کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری" که دارد گسترش مییابد یکی از این تلاشها است، جنبه سراسری و فراصنفي این تحرك کارگری دارای اهمیت است. اعتراضات و مبارزات گوناگون کارگری و توده‌ای هم کماکان در جریان بوده و تداوم داشته ست.

اسماعیل ویسی: اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است، با توجه به شرایط اجتماعی و اوضاع ایران بزرگداشت روز کارگر امسال را چگونه میبینید؟ مهمترین مؤلفه ها، مثبت و منفی، از نظر شما چه میباشند؟ آیا مسله محاکمه فعالین اول ماه مه سال گذشته در سقز بر این مساله تأثیری خواهد داشت؟

مظفر محمدی: شرایط و اوضاع و احوال هر تفاوتی نسبت سال گذشت داشته باشد، این

پیام کورش مدرسی
لیدر حزب کمونیست
کارگری حکمتیست



نه! این جشن ما نیست! در آن شرکت نکنید!
کسی که باد میکارد توفان درو خواهد کرد!

پرداخته اند.

جشنی که امروز ناسیونالیستهای کرد به بهانه آن مردم را در چند شهر کردستان ایران به خیابانها کشیده اند، جشن ما نیست. جشن ناسیونالیسم کرد است. در آن نباید شرکت کرد!

مردم کردستان! در این جشن حقارت شرکت نکنید! کسی که امروز حاضر میشود به قیمت تحقیر و

رئیس جمهور شدن جلال طالبانی در عراق اوج آرزوی ناسیونالیسم کرد را به نمایش گذاشته است. خانه خرابی مردم عراق و کشتار کودکان این کشور در نتیجه دوازده سال محاصره اقتصادی، اشغال عراق و گسیختگی تمام شیرازه مدنی جامعه عراق و تباهی فیزیکی و معنوی مردم در عراق قیمتی است که مردم عراق برای ریاست جمهوری طالبانی

محاکمه کارگران در سقز و
اول مه امسال!



مجید حسینی

باوجود اینها محاکمه فعالین کارگری در سقز کیسی نیست که جمهوری اسلامی در صفحه ۳ بتواند به این سادگی در مورد آنها احکام دلخواه خود را صادر کند. از همان ابتدا سرنوشت این فعالین کارگری و ماجرای دستگیری آنها مورد حمایت صفحه ۳

در گرماگرم حمله مامورین اطلاعاتی رژیم به کارگران، سازمان زحمتکشان مهتدی فرصت را غنیمت شمرد و فعالین کارگری را به هواداری از احزاب اپوزسیون منتصب کرد. این اتهامی است که در جمهوری اسلامی زندان و شکنجه و اعدام را به همراه دارد. اتهامی که کاربردستان رژیم سعی می کنند با براه انداختن "دادگاه" و علم و کتل خود و اتکا به "قانون" به سینه کارگران بچسبانند تا سرکوب و جنایت شان را توجیه کنند.

از دو هفته پیش جمهوری اسلامی محاکمه فعالین کارگری در شهر سقز را آغاز کرده است. جرم این کارگران شرکت در جشن اول مه سال گذشته در این شهر بوده است. جرم شرکت در جشنی که برگزار نشد و با پورش اوپاشان رژیم بهم خورد و در طی آن تعدادی از کارگران از جمله اسماعیل خودکام، محسن حکیمی، هادی تنومند، برهان دیوارگر، محمود صالحی، جلال حسینی و محمد عبیدی را دستگیر و برایشان پرونده سازی و پابوش دوزی کردند.

"ائتلافی" سیاه
علیه آینده مردم
عراق



حسین مراد بیگی
(جمه سور)

در مورد گماردن جلال
طالبانی به ریاست
جمهوری عراق

تا سران جنایتکار جمهوری اسلامی که در تعمیق این سیاه چال دمی غافل نیستند تا خیل ناسیونالیستهای کرد که پیروزی خود را براساس "ذلت" دیگری بنا میکنند و تا معدودی از بازماندگان چپ سنتی مدافع "ناسیونالیسم اقلیتها"، همه و همه خود را در این "پیروزی" که ماحصل بخون کشیدن و سیه روزی مردم عراق است سهیم و همه یک شبه خود را در صفحه ۴

با "انتخاب" جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق، یک بار دیگر مرتجعین و حامیان آنان، دولتها، احزاب و سازمانها و گروهها و همه کسانی که به نحوی در جریان سیه روزی مردم عراق دستی داشتند و یا از سیاه چالی که برای مردم عراق کنده اند دفاع میکنند، دور هم جمع شدند، خوشحالی خود را از این بابت اعلام و به جلال طالبانی به این خاطر تبریک گفتند. از جورج بوش و تونی بلر که بانی این وضع هستند گرفته

این پیروزی ما نیست!
اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
در صفحه ۳ حکمتیست

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سازمانده کمونیست، شماره ۶ (ویژه اول ماه مه) به سر دبیری اسد گلچینی منتشر شد!

گونگون است و در واقع در حاشیه مسایل و فعل و انفعالات واقعی درون طبقه کارگر قرار دارند. هر اقدامی اگر توجه کارگر را جلب نکند و او را بسیج نکند و به حرکت در نیارد باید برگشت و دید عیب کار کجا است.

هدف اصلی گرایش کارگری این باید باشد که چقدر کارگر را بسیج و به میدان میاورند، چقدر کارگر را متحد و متشکل میکنند و سازمان میدهند و به مبارزه متحد جلب میکنند. با این هدف و همکاری و دست به دست هم دادن فعالین کارگری مراسمهای اول مه امسال میتواند محل تجمع وسیعترین بخشهای کارگران و خانواده هایشان باشد.

اسماعیل ویسی: - در این روز محورهای اساسی مطالباتی که لازم است بصورت مصوبه این قطعنامه

در بیاید چه باید باشند؟

مظفر محمدی: اجازه بدهید

باز اینجا تاکید کنم که شاخص يك

اول مه موفق تنها قطعنامه اش

نیست. حتما باید قطعنامه خوب و

رادیكال تهیه کرد و آماده داشت.

قطعنامه ای که توجه کارگران را

جلب کند و مهمترین مسایل و

مطالبات کارگری را در بر بگیرد،

اما مساله اساسی این است که

امسال اول مه ما شاهد اجتماعات

هزاران و چند ده هزار و بیشتر

کارگران در میادین شهرها و یا

سالنها خواهیم بود؟ آیا ما شاهد

جشن کارگران و خانواده هایشان در

محلات کارگری خواهیم بود؟ آیا

این روز بطور کامل تعطیل میشود؟

آیا مراسمهای فرمایشی و دولتی از

طرف کارگران تحریم کامل

میشوند؟ آیا....

اگر این اتفاق بیفتد آنوقت يك

قطعنامه صفحه ۴

مراسمهای اول مه دخالت میکنند و میکوشند کنترل آن را در دست بگیرند. کارگران کمونیست و رهبران رادیكال کارگران به این مساله چگونه برخورد خواهند کرد؟

مظفر محمدی: خانه کارگر و شوراها را نمیتوان جریان متعلق به کارگر قلمداد کرد. اینها نهادها دولتی و حتی پلیسی اند که به طبقه کارگر تحمیل شده اند تا اجازه ندهند کارگران آزادانه و مستقل از دولت و کارفرما متشکل و متحد شوند. حضور اینها هر گونه تشکل آزاد کارگری را ممنوع کرده است. و فعالین کارگری که از چهارچوب سیاستهای اینها خارج شوند تعقیب و یا اخراج میگرددند. بنا براین تکلیف طبقه کارگر با این نهادها دولتی روشن است. این نهادها باید کنار نهاده شوند و به دخالتشان در مسایل کارگران خاتمه داده شود.

تا آنجا که به اول مه مربوط است مراسمهای فرمایشی و دولتی اینها را باید تحریم کرد و هیچ کارگری در آن شرکت نکند. میفهم اینها اینقدر

پررو هستند که با عناصر بسیجی

خود و حضور عوامل و نیروهای

دولتی مراسم به نام کارگر برگزار

میکند اما این مراسمها دیگر نه

کارگری است و نه ربطی به روز

کارگر دارد، برای لوٹ کردن آن است

و به شدت محکوم است.

این به کنار، میماند حضور و تاثیر

گرایشات درون کارگران که هر کدام

بالاخره تفکر و راه و روشی خاصی را

تعقیب و نمایندگی میکنند.

گرایشاتی هستند که به امر بسیج و

سازماندهی طبقه کارگر برای این

روز اهمیتی نمیدهند و عرصه

فعالیتشان جمعهای محفلی و

بحشهای کشدار بر سر مسایل

پخش شیرینی و ابراز شادمانی و جشن کارگران و خانواده هایشان و امید به تداوم تحرك و اتحاد بیشتر کارگران و آینده ای بهتر خاتمه مییابد.

گفته که راه و روش و شگرد این کار را همه میدانند و لازم به توضیح نیست. اما مساله ای که در اینجا مطرح است رفع موانع کار است که تنها با اتکا به نیروی اجتماعی هر

چه بیشتر کارگران امکان پذیر است.

هر اندازه برای بسیج کارگران کار

شود و اجتماعات بزرگتر کارگری

تشکیل گردد دور زدن این موانع

آسانتر میشود. دستگاههای دولتی

وقتی بفهمند که کارگران در سطح

وسیع پشت فعالین کارگری

ایستاده اند و حضورشان را احساس

کنند نمیتوانند مقاومت کرده و شانه

بالا بیندازند یا دخالت کنند. این

بیشترین و بهترین تضمین است. با

اتکا به این نیروی آگاه کارگران، روز

کارگر باید تماما تعطیل باشد و

تجمعات بزرگ کارگری برپا شده و

جشن کارگران باشد.

مساله دیگر دخالت خانه کارگیا و

شورای اسلامی در اول مه هر سال

است. امسال هم این اتفاق میافتد و

باید در مقابلش ایستاد. خانه کارگر

و شوراها را هم باید تحریم کرد و

نهادهای دولتی و کارفرمایی هستند

و همیشه هدفشان کنترل کردن

مبارزات رادیكال به نفع سرمایه و

سود کارفرماها بوده است. به

دخالتهای این ارگانها چه در

مبارزات کارگری و چه مراسمهای

اول مه باید خاتمه داد.

اسماعیل ویسی: -

همانطوریکه اشاره کردید، جریانات

مختلف از جمله خانه کارگر و

شوراها اسلامی و دیگر گرایشات

درون کارگران هر کدام به نوعی در

حق ترین کاری است که ما باید انجام

دهیم. قیام علیه جمهوری اسلامی و

درهم کوبیدن کل دستگاه جنایت

اسلامی مهمترین کاری است که باید

انجام دهیم. اما باید با چشم باز

انتخاب کرد. جدال ما برای ساختن

يك دنیای آزاد، يك دنیای خوشبخت

و يك دنیای بهتر است. این با آنچه

در عراق میگردد يك دنیا فاصله

دارد. ما باید جنگ و قیام خودمان

را بکنیم. فریب ناسیونالیست ها را

نخورید. به این جشن و پایکوبی

نپیوندید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری،

حکومت کارگری!

کورش مدرسی

۲۵ فروردین ۸۴ ۱۴ آوریل ۲۰۰۵

فعالین و رهبران عملی کارگری چه کارهایی را از هم اکنون باید در دستوریگزارند؟

مظفر محمدی: برگزاری

مراسمهای اول مه دیگر به سنتی در

جامعه تبدیل شده و فعالین کارگری

و توده کارگران و خانواده هایشان با

این مساله آشنا هستند. اکثرا راه و

روشهای این کار را بلدند. از يك ماه

قبل تر و حتی زودتر از آن فعالین

کارگری تدارک بزرگداشت این روز را

شروع میکنند. رسم بر این است که

ابتدا خود فعالین همدیگر را

میبینند، جمع و یا هیئتی برای این

کار تعیین میکنند و راههای قانونی

این کار را هم طی میکنند که اغلب

با مخالفت ارگانهای دولتی روبرو

میشوند. اما بیشتر اوقات بر این

موانع غلبه میکنند و با یا بی

مجوز کارگران و خانواده هایشان را

بسیج و جمع میکنند و به اشکال

مختلف از جمع شدن در سالنی یا

محل بازی در شهرها مراسم و تجمع

کارگری برپا میشود. سخنرانی

فعالین کارگری در محکومیت

سیستم ستم و تبعیض و نابرابری و

بردگی مزدی تا طرح مهمترین و

فوری ترین مسایل و مطالبات

کارگری و صدور قطعنامه از بحثهای

محتوایی این مراسم ها است و با

نه! این جشن ما نیست ...

خانه خرابی يك جامعه به جایی

برسد، دارد، نفرت و کینه قومی را

دامن میزند. باد میکارد و فردا

طوفان درو خواهد کرد. ریاست

جمهوری طالبانی بر پایه ای از ایجاد

عمیق ترین نفرت قومی بنا شده

است. طالبانی و ناسیونالیست های

کرد همراه تمام دارو دسته های

ارتجاعی در عراق این جامعه را به

کام یکی از عظیم ترین تراژدی

های انسانی کشیده اند. جامعه

عراق در آستانه يك فاجعه عظیم تر

است. نباید در خلق این فاجعه و

گسترش آن به ایران شرکت کرد.

مردم!

اعتراض علیه جمهوری اسلامی، به

کم نیستند. از جمله کارگران کماکان متشکل و متحد نیستند، مبارزات

پراکنده اند، عرض رژیم و کارفرماها

به سطح معیشت کارگران حد و حصر

ندارد و آخرینش پس از قراردادهای

موقت، افزایش ناچیز دستمزدها

برای سال ۸۴ است که با اعتراض

جدی طبقه کارگر و فعالین آن مواجه

نشده است. فاکتورهای اوضاع

سیاسی و مساله عراق هم که باب

میل جمهوری اسلامی پیش میرود

را به اینها باید اضافه کرد. ادامه و

کش دادن مساله محاکمات فعالین

اول مه سقز که از مه سال گذشته تا

روز کارگر امسال هم یکی از

شگردهای شناخته شده رژیم برای

فشار به فعالین است که آنها را به

تسلیم یا سکوت بکشاند و مساله

دخالت آنها را در اول مه منتفی

کند. من فکر میکنم تاثیر این

فشار در همان سطح محلی مانده و

از شهر سقز فراتر نمیرود. اما در

همین سطح هم باید در مقابلش

ایستاد و این ترند را خنثی کرد.

اعتراض به این سیاست رژیم در

سطح محلی و بین المللی کم نبوده

است.

اسماعیل ویسی: با توجه به

این اوضاعی که شما اشاره کردید،

برنامه پرتو

برنامه های پرتو روزهای چهارشنبه ساعت 7.30 تا 8.30 شب به وقت تهران (5 تا 6 بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی و 8 تا 9 صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه پنجشنبه ها ساعت 7.30 تا 8.30 صبح تهران مجددا پخش میشود. برنامه پرتو را روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:



تلویزیون
پرتو

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

این پیروزی ما نیست!

در حاشیه درگیریهای دیروز در مهلباد و پیرانشهر بدنبال گمارده شدن جلال طالبانی به رئیس جمهوری عراق، روز چهارشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۴ مردم در شهرهای مهلباد و پیرانشهر به خیابانها آمدند تا خوشحالی خود را از این ماجرا نشان دهند. نیروهای انتظامی در این ماجرا دخالت کردند و لذا مردم علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. با دخالت مزدوران رژیم بر تجمع مردم افزوده شد و مردم با نیرهای رژیم درگیر شدند.

در این ماجرا دهها نفر از مردم شهرمهلباد و پیرانشهر زخمی شدند که تعدادی از آنها به بیمارستان انتقال داده شدند. همچنین تعدادی از مردم این دو شهر توسط نیروهای انتظامی دستگیر شدند.

هیچ چیز از اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی و اعلام تنفر عمیق آنها از یکی از هارترین و ارتجاعی ترین رژیمهای تاریخ

بشر، برحق تر و قابل دفاعتر نیست. این رژیم را حتی برای یک ساعت هم نباید تحمل کرد. اما ابزار خوشحالی از رئیس جمهور شدن جلال طالبانی با تنفر عمیق مردم از جمهوری اسلامی همخوانی ندارد. پیروزی جلال طالبانی، پیروزی کسی و جریانی است که سالهای سال در خدمت به جمهوری اسلامی و ضدیت با اعتراض بر حق مردم در شهرهای کردستان علیه این رژیم، کوتاهی نکرده است.

مردم! پیروزی جلال طالبانی پیروزی ما مردم در کردستان عراق یا ایران نیست! جلال طالبانی از هیچ تلاشی برای تقابل با مبارزه و اعتراض برحق ما علیه جمهوری اسلامی کوتاهی نکرده است. ایشان همواره تلاش کرده است اعتراض برحق ما مردم را علیه جمهوری اسلامی به شکست بکشاند. طالبانی در کنار سران این رژیم و دست در دست آنها علیه ما و برای به سازش کشاندن مبارزه و اعتراض برحق ما تلاش کرده است. پیروزی طالبانی کوچکترین ربطی به منفعت مردم ستمدید کردستان عراق یا ایران ندارد. این پیروزی برعکس تملق گویی سران ناسیونالیست کرد و اشک تمساح ریختن برای مردم کردستان است، کوچکترین ربطی به مردم، به منفعت شما و

حتی به حل ستم ملی هم ندارد. درست در تقابل با تلاشهای آقای طالبانی برای به سازش کشاندن مبارزه ما، برعکس تلاشهای او و بند بستهای همیشگی اش با سران جمهوری اسلامی، برعکس اشک ریختنهایش بر سر قبر خمینی جلال و تعریف و تمجیدهایش از او، اولین قدم پیروزی ما به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و خاتمه دادن به عمر ننگین آن است. آن روز را همگی جشن خواهیم گرفت و برای رسیدن به چنین روزی یک لحظه نباید غفلت کرد. ما این رژیم را نمیخواهیم و با هیچ رژیم اسلامی سرسازش نداریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی و برابری
کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران - حکمتیست
۱۸ فروردین ۱۳۸۴

محاکمه کارگران ...

و اعتراض نهادهای بشر دوست و تشکلهای کارگری در سطح بین المللی قرار گرفت. اکنون حزب حکمتیست ماجرای از سرگیری محاکمات آنها را با دقت تعقیب کرده و اقدامات ضروری و بموقع را برای دفاع از این کارگران و کوتاه کردن دست رژیم از سر آنها پی خواهد گرفت.

نزدیک به یکسال است پرونده این کارگران در جریان است. طی این مدت جمهوری اسلامی به بهانه تکمیل پرونده، بازجویی ها و غیره بارها کارگران را به ارگانهای مختلف رژیم فرا خوانده و زیر فشار مداوم نگهداشته و زندگی را بر کارگران و خانواده های شان حرام کرده اند. رژیم این مسئله را وسیله محدود کردن و کنترل کارگران کرده است. عوامل اطلاعاتی به دلایل معینی و به عمد این جریان را تا به امروز کش داده اند و اگر زورشان برسد نمی خواهند به این زودیهها به این ماجرا خاتمه دهند.

بین المللی شدن این کیس تنها یکی از فاکتورهای محدود کننده رژیم و عامل طولانی شدن سرنوشت این پرونده ها است. چگونگی مقابله با جنبش آزادیخواهانه و سد کردن پیشروی جنبش کارگری در ایران فاکتور محوری تر جمهوری اسلامی در این میان است. یورش به مراسم اول مه سال گذشته در سقز، سر آغاز تعرض این دوره جمهوری اسلامی

است به جنبش کارگری در ایران و سیر رو به رشد آن در شهرهای کردستان.

محاکمه کارگران در سقز کانال حمله حکومت سرمایه است به طبقه کارگر بطورکلی و بخشی از توطئه و سنگ اندازی رژیم است در برابر جشن اول مه امسال بطور خاص. بنابراین گرفتن جشنهای هر چه بزرگتر و وسیعتر در شهرها بمعنی دفاع از فعالین کارگری محاکمه شده نیز هست. سنجاق کردن هر چند وقت یکبار جرایم جدیدی از قبیل بهم زدن نظم عمومی، پخش کردن سی دی و نوار و نشریات احزاب کمونیستی به پرونده این کارگران امتداد یک حمله عمومی تر وسیعتر به طبقه کارگر است. جمهوری اسلامی با محاکمات پشت سر هم این کارگران بخصوص در این روزها که به اول مه نزدیک میشویم جشن روز کارگر را نشانه گرفته است. دفاع از کارگران محاکمه شده در مراسمها، سخنرانیها و قطعنامه ها دفاع از همه کارگران است. جمهوری اسلامی از طریق این محاکمات می خواهد فضای سرکوبگری و ارباب را بالای سر کارگران و جامعه نگهدارند.

سنت برگزاری جشن اول مه در کردستان در اوج قدرت جمهوری اسلامی و در دل سیاه ترین دوران سرکوب و قتل عامهای آزادیخواهان پایه گذاشته شد. دستگیری و زندان و شکنجه فعالین کارگری و اعدام جمال چراغ ویسی توانست جلو قوام

گرفتن این جشن کارگری و این صف آرای طبقاتی را بگیرد. جشن اول مه به یکی از نمودههای برجسته و به اهتزاز در آوردن پرچم جنبش برابری طلبانه و انسانی در جامعه تبدیل شده است. قطعنامه های این مراسمها در طی سالیان سال در عین اینکه خواستهای سیاسی روز و شرایط مشخص هر دوره را در خود داشته کیفر خواستی بوده علیه کل نظام سرمایه و استثمار و کارمزدی در جهان .

جشن اول مه امسال و صف آرای طبقاتی کارگران در این روز با معضلات و مشکلات متعددی روبرو است. سرکوبگری و سنگ اندازی حکومت اسلامی، محاکمه کارگران در سقز، به کار گرفتن مزدوران خانه کارگر، شوراها و اسلامی علیه کارگران و علم کردن جشنهای دولتی یکی از این موانع است که در برابر فعالین و دست اندرکاران مراسمهای اول مه قرار گرفته است. فشار جنبش رادیکال کارگری خمینی را ناچار کرد بگوید خدا هم کارگر است و سیاست مراسمهای فرمایشی را برای مقابله با این سنت کارگری در پیش گیرند. رژیم برای گرفتن مراسمهای دولتی نهایت تلاش را با استفاده از شوراها و خانه کارگر بکار خواهد برد. باید کوشید هر گونه مراسم دولتی را قطعانه تحریم کرد و مراسمهای مستقل و وسیع را سازمان داد. هر ساله در روزهای قبل از اول مه و در جریان جشن ها

کشمکش بین کارگران آگاه و رژیم اسلامی سرمایه به حادثی سطح خود میرسد. تحریک اپوزیسیون راست و فضایی که حول "فرانادوم" و فدرالیسم قومی براف انداخته اند، برگزاری با شکوه اول مه امسال را به تعرض سیاسی اجتماعی طبقه کارگر علیه این فضا تبدیل خواهد کرد. حکومت های سرمایه در طول تاریخ دست و بال جریانات ارتجاعی و حتی اپوزیسیون خود را در برابر جنبش کمونیستی و کارگری باز گذاشته اند. "انتخاب" جلال طالبانی این دوست دیرین جمهوری اسلامی به ریاست جمهوری عراق این فضای مسموم و ناسیونالیستی را در کردستان تشدید کرده است. تجربه ۸ مارس نشان داد که جریانات دیگر بورژوا ناسیونالیستی امکان دارد از این فضا استفاده کنند و تجمعهای صد در صد ضد کارگری و ظاهرا مستقل از رژیم را بنام روز کارگر بگیرند. و باز هم تجربه نشان داده که رژیم دست و بال هم چون جریاناتی را باز خواهد گذاشت و از رئیس جمهور شدن جلال طالبانی نهایت استفاده را علیه مردم خواهد کرد. فعالین رادیکال و سوسیالیست کارگری با موانع گوناگون و صف وسیعی از جریانات بورژوازی از یک طرف و رژیم حامی سرمایه از طرف دیگر در اول مه ۸۴ روبرویند. شکی نیست که این کارگران قدرت جوابگویی و خنثی کردن همه این موانع را دارند. اول مه روز اعلام هم سرنوشتی و روز نمایش اتحاد طبقاتی کارگران

علیه سرمایه و نظام مزدی است. این روز را باید گرمای داشت، تعطیل رسمی کرد و جشن گرفت. نظام سرمایه فقر و بی حقوقی و دستمزد ناچیزی را به کارگران تحمیل کرده است. با تحمیل کار موقت، اضافه کاری، و مجبور کردن کارگران به دست و پا کردن چند کار برای امرار معاش، نا امنی و نهایت استثمار و توحش بردگی را به اجرا در آورده است. در حالیکه گله های آیت الله، نمایندگان مجلس، مامورین اطلاعاتی، روسای "دادگا" فرماندهان نیروهای سرکوبگرش دسترنج کارگران را چپاول می کنند کرور کرور پول مردم را می دزدند. این نظام و این دولت متعلق به سرمایه داران است. قوانین و کل سیستم اش علیه ما کارگران و مردم زحمتکش سازمان داده شده است. باید با نیروی متحد برای یک دنیای بهتر و خلاصی بشر از نظام کار مزدی تلاش کرد. با پخش تراکت، ارتباط با محافل کارگری و دوستان و جواب دادن به فراخوانهای فعالین تدارک اول مه به استقبال این روز برویم.

زنده باد اول مه

۱۱ فروردین ۸۴



SW49m 5910 Khz

www.radiopartaw.com

Tel: 0046707399868

رادیو پرتو روی طول موج کوتاه!

هر شب از ساعت ۸ به وقت تهران بمدت نیم ساعت

طول موج و ساعات پخش رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

انتلافی سیاه ...

کنسار هم بیافتند. خود این پدیده به اندازه کافی گویا است که ایمن پیروزی علیه منافع آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان عراق و مردم زجر کشیده عراق و در نهایت علیه منافع کل مردم آزاده منطقه است. در مقابل این عوام فریبی و این ساخت و پاخت و تبریک گفتن، یک عده هم سکوت کرده اند. در مورد بعضی ها احتمالاً مصلحت روز چنین ایجاب میکند، برای یک عده هم "انشاء الله" گریه است! "انتخاب" جلال طالبانی محصول تناسب قوای سیاسی واقعی بین نیروهای درگیر در صحنه سیاسی عراق نیست، محصول تناسب قوایی است موقت که در کنار حضور نظامی دولت آمریکا تأمین شده است، تناسب قوایی بشدت ناپایدار و در حال تغییر در اوضاعی بمراتب ناپایدارتر. تنها مقدمه و پیش درآمد قدرت گرفتن اسلامی هاست، پیش بینی این امر برای هر روزنامه نگار معمولی و با انضافی که به عراق سفر کرده باشد، کار چندان مشکلی نیست. اسلام سیاسی هنوز خود را در شرایطی نمی بیند که قدرت سیاسی را در عراق یک کاسه کند، ناچار به معامله و بند و بست با ناسیونالیسم کرد تن داده است. ناسیونالیسم کرد نیز که آرزویی جز شریک شدن در قدرت محلی را ندارد بویژه شریک شدن در قدرت را در این حد به خواب هم نمیدید، با سر به طرف این معامله شیرجه رفته است. هر دو هم میدانند، لاقط اسلامی سیاسی میدانند که این "انتلافها" و ساخت و پاختها موقتی هستند. میدانند جامعه عراق سرانجام بسمت شرایط پایدارتری سوق خواهد یافت که در آن هر درجه از تغییر در موازنه پایدارتر تناسب قوا به ضرر ناسیونالیسم کرد تمام خواهد شد. آنوقت بمبی را که روی آن نشسته اند و هنوز منفجر

نشده است، منفجر خواهد شد و محل کار و زندگی مردم با خون "کرد و عرب و ترکمن" رنگین خواهد شد. همه جارو جنجالی که ناسیونالیسم کرد در این مدت راه انداخته است دقیقاً بخاطر این است که این واقعیت را از چشم مردم کردستان پنهان دارند و حتی بکممک میدیای خود آن را یک پیروزی برای مردم هم اعلام کنند، پیروزی که در استیصال هرچه بیشتر مردم کردستان عراق و عراق ترجمه خواهد شد. میگویند این واقعه هرچند موقت، اما یک پیروزی برای ناسیونالیسم کرد است. در این شکی نیست، انتخاب جلال طالبانی برای ناسیونالیسم کرد که شریک شدن در قدرت محلی کعبه آمالش بوده است، یک پیروزی است. اما پیروزی ما نیست، پیروزی مردم کردستان نیست. پیروزی ناسیونالیسم کرد است که در زجر کش کردن مردم عراق در جریان اشغال عراق مستقماً شریک است. "انتلافی" سیاه در بطن اوضاع سیاه عراق در خدمت بقدرت رساندن اسلام سیاسی است. ناسیونالیسم کرد با این "پیروزی" مردم کردستان عراق را بر لبه پرتگاه یک نسل کشی عظیم قرار داده است، این حقیقت را باید به مردم کردستان عراق و عراق گفت. نباید اجازه داد افق پاکسازی قومی را بعنوان پیروزی به مردم کردستان قالب بکنند. در مقابل این عوام فریبی باید ایستاد، آن را باید رسوا کرد. چرا باید برای جنبشی که پیروزی خود را در زجر کش کردن مردم عراق بدست آورده است، کف زد و آن را به رهبران آنان تبریک گفت؟ چرا باید اجازه داد که اینها ساخت و پاخت سیاسی که از آن هم اکنون بوی پاکسازی قومی میاید بنام پیروزی مردم جا بزنند و با آن هیاهو و جنجال راه بیاندازند؟ اینها دارند علیه آینده مردم کردستان عراق و عراق توطئه میکنند، باید پششان زد، باید رسواشان کرد. باید کل این پدیده و سازندگان آن را رسوا کرد، باید بند و بست سیاسی دوستان و متحدین جمهوری اسلامی

طلبانه مردم کردستان و حتی علیه همدیگر و علیه ابوزیون این دولتها چیز دیگری بوده است. اسم این ارتجاع محض را باید گذاشت پیروزی مردم کردستان؟! ناسیونالیسم کرد و رهبران آن کجا گلی به سر مردم کردستان زده اند تا "انتخاب" جلال طالبانی آنها بر بستر زجر کشی مردم عراق گلی به سر مردم کردستان بزنند؟ اینها چند بار دیگر میتوانند بگویند "شاه ایران" و یا جمهوری اسلامی به آنها پول نداد، یا دولت آمریکا به آنها "خیانت کرد" و با آن مردم کردستان را در ابعاد چند صد هزار نفره آواره کنند. چند بار دیگر میتوانند دست صدام و امثال صدام را ببوسند؟ این بار اما ما از آنها دست بر نخواهیم داشت. آنها باید بعنوان جنایتکار جنگی دستگیر و تحویل دادگاههای مردم داده شوند. مردم کردستان باید به جلال طالبانی و به دیگر رهبران این جنبش در این قامت نگاه کنند و به این عنوان آنها را افشاء و از میان خود طرد کنند.

۱۵ آوریل ۲۰۰۵

یک دنیای بهتر را بخوانید و آن را تکثیر کنید!

کارگر و رهبرانش قابل قبول نیست. بحث بر سر این نیست که میزان این مبلغ از طرف کسی یا محفلی کارگری اعلام شود. هر مبلغی اعلام کنی اما نیرویی برای مطالبه ان یا به کرسی نشاندنش نباشد، ذهنی است. مساله این است که نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگری با کارفرما بر سر یک میز بنشینند و حساب کنند که نیاز یک خانواده کارگری چقدر است و با احتساب این و سطح تورم افزایش دستمزدهای کارگران برای سال 84 را تعیین کنند و کم یا زیادش را توافق کنند و به تصویب برسانند. مسایل متعدد دیگری هست، مانند خواست لغو کار قراردادی موقت و یا آزادی تشکل و اعتصاب که بدون آن تعرض به سطح معیشت کارگران را نمیشود مهار کرد. به امید یک اول مه باشکوه و با اجتماعات بزرگ کارگری، این روز و جشن را به کارگران و خانواده هایشان تبریک میگویم. ■

اول مه

خوب هم جا دارد و با تأیید پرشور کارگران روبرو شده و در واقع یکنوع پلاتفرم و برنامه کارگر برای سال آینده اش خواهد بود. اول مه نوروز کارگران و مانند اول سال برای او است. در مورد مفاد و مطالبات قطعنامه فقط کافی است باز نگاهی به قطعنامه سراسری سال قبل بیندازیم شاید تغییر زیادی لازم نباشد. این قطعنامه را اکتبر میتواند مجددا چاپ کند. اما از نظر من مهمترین مساله روز طبقه کارگر هم اکنون مساله افزایش دستمزدها است. این مساله ای فوری و سرنوشت ساز برای کارگران و خانواده هایشان و زنان سفره شان است. باید اول مه بر ایجاد مجامع عمومی و انتخاب نمایندگان برای طرف حساب شدن با کارفرما بر سر مساله افزایش دستمزدها تأکید کند و اجرای آن را بخواهد. ظاهراً میخواهند مساله افزایش دستمزدها را پایان یافته قلمداد کنند. اما این برای طبقه

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری — حکمتیست

دبیر: حسین مرادبیگی (جهه سور)

h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 00447960233959

اکتبر

چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر
را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان
و آشنایان خود برسانید!

اکتبر

سردبیر: عبدالله شریفی

sharifi_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26

دستیار سردبیر: اسماعیل وایسی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!